



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۱/۰۵



س. ح. روغ

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟

بخش سوم



کم کم اصل گپ ها بیرون می افتند.

هر قدر این گپ ها برای ما افغانان غیرمنتظره بوده باشند، ما باید یاد بگیریم که دنیا با زبان خود گپ می زند؛ و ما افغانان این زبان را نمی دانسته ایم؛ و هنوز هم نمی دانیم. چه وخت بیدار می شویم؟

پریزیدنت دونالد ترامپ دو روز قبل گپ هایی گفته است که رخداد های ۴۰ سال اخیر را بمانند یک ورق پاره مندرس از کتاب تاریخ جهان دور می افکند.

تاریخ ورق می خورد و اهالی تمدن از برگشتن به ورق دیروز با چنندش و تهوع ابا می ورزند. و این که از این دیروز برای ما افغانان رنجیده یک چند بقایای گندیده بجای می ماند، این، دل کسی را نمی تارد؛ دنیا هیچ وخت برای افغانان سر نخاریده است و سر نمی خارد. چرا ما نمی خواهیم بفهمیم؟

اظهاراتی که پریزیدنت ترامپ درباره هجوم شوروی به افغانستان برون ریخت، از قلم مبصرین افغان شکوه برانگیخت. اما چرا پریزیدنت ترامپ این گپ ها را گفت؟ در این گفتار ترامپ چیز مهم اصلاً این نبود که شوروی هم در افغانستان با تروریسم مبارزه می کرد؛ به بیان دیگر شوروی هم بدنبال مصلحت های ستراتیژیک خود به افغانستان آمده بود؛ برای دانستن این حقیقت، ضرور نکرده که ما منتظر بیانات ترامپ باشیم؛

در این گپ ترامپ یک چیز بسیار جدی تر و بنیادی تر نهفته بود:

ترامپ گفت که «شوروی» از جنگ افغانستان که برون شد، «روسیه» شد!

یعنی ترامپ اصلاً این سوال را در برابر امریکاییان مطرح می کند که امریکا که از جنگ افغانستان بیرون شود،

چی می شود؟؟ یعنی ترامپ، با یک وضاحت غیر متعارف، هشدار می دهد که اگر امریکا از افغانستان خارج نه شود، یک «فروپاشی» در راه است؛ و این فروپاشی می تواند مقیاس های غیرقابل پیش بینی بخود بگیرد!!

در بخش قبلی، ما این مضمون در گپ های ترامپ را پیش بینی کرده بودیم.

سخن بعدی پریزیدنت ترامپ بهمین مقیاس جدی است:

«چرا روسیه در اینجا نیست؟ چرا هندوستان در اینجا نیست؟ چرا پاکستان در اینجا نیست؟ چرا ما هستیم در حالی که ۶ هزار

مایل دور تر می باشیم»؟؟؟

ژورنالیست افغان جناب عارف عباسی حق بجانب است که نوشت «پریزیدنت ترامپ این سوال را از پریزیدنت بوش بکند»؛ اما مشکل ترامپ این نیست که فراموش کرده باشد از کی بپرسد؟ و مشکل ترامپ این هم نیست که سرتاسر ملاحظات امریکا در افغانستان را به «مبارزه بر علیه تروریسم» تخلیه می کند، و تقلیل می دهد؛

و مشکل ترامپ این هم نیست که بیاد ندارد ۱۵ سال پیش کوفی عنان این سوال را مطرح کرد که این تروریسم اصلاً چی است؟ «تروریسم دولتی» چی است؟ و «مبارزه بر علیه تروریسم» اصلاً چی است؟

مشکل ترامپ این است که حیرت زده است که تمام قدامت های غلط بوده اند که امریکا در هجوم به افغانستان برای خود قایل شده بود! ترامپ می گوید که هجوم امریکا به افغانستان یک خبط بسیار عظیم بوده است! ببینیم پریزیدنت ترامپ درباره جریان این مبارزه با تروریسم چی می گوید؟ ترامپ گفت که طالبان و داعش در بخش های از افغانستان برضد یک دیگر می جنگند و امریکا نباید در این میان وارد عمل شود:

"طالبان دشمنان ما اند. داعش دشمنان ما اند. چهار پنج هفته پیش به جنرال های ما یک ساحه را نشان دادم که در آن طالبان اینجا اند؛ و داعش اینجا؛ و هر دو با هم می جنگند. من گفتم که چرا نمی گذاریم که آنها با هم بجنگند؟ چرا ما در این میان وارد می شویم؟"

باز هم مشکل ترامپ این نیست که فراموش کرده باشد خود دولتمداران امریکا معترف بوده اند که این نیرو هایی که امروز «ترور» نامیده می شوند، بدست خود امریکا متولد شده اند؟ ترامپ می داند که کی بدهان این ها «لم یلد» مانده است؟ و می داند که آیا حقیقت دارد که این نیرو ها امروز «لم یولد» ادعا می کنند؟

مشکل ترامپ این است که در این جا به وضوح می گوید که طالبان و داعش «سر تقسیم با هم می جنگند»؛ اینقلم سه سال پیش نوشته بودم که طالبان جای خود را به داعش خالی نخواهند کرد؛

بعد ترامپ به وضوح می گوید که هم طالبان و هم داعش «پیاده» های یک بازی ستراتیژیک هستند؛ و بعد ترامپ به وضوح می گوید که درباره این بازی «حقیقت را به وی نمی گویند!»

قرار معلوم مراجع رسمی افغانستان در برابر این اظهارات پریزیدنت ترامپ توضیح طلب شده باشند؛ مضمون این استیضاح اصلاً مهم نیست؛ مهم این است که مراجع رسمی افغانستان بالاخره در می یابند که باید از خود یک نظر و موضع داشته باشند. استاد فیض الله جلال کاملاً حق بجانب است آنجا که هشدار داد که یا یاد بگیرید که از خود موضع داشته باشید و یا نابود می شوید!

و ترامپ آنجا که می پرسد: «چرا روسیه در اینجا نیست؟ چرا هندوستان در اینجا نیست؟ چرا پاکستان در اینجا نیست؟» اصلاً می خواهد بگوید که امریکا نمی توانست، و نمی تواند، که قدامت های نیروهای منطوقی در معضل افغانستان را نادیده بگیرد و یا معاوضه کند؛ یعنی این ملاحظه که امریکا خواست بر علیه همه موازنه های منطوقی افغانستان را در دست بگیرد، اساساً نادرست بوده است؛ یعنی این یک جانبگی در ستراتیژی امریکا، از منابع تداوم جنگ و ویرانی در افغانستان بوده است؛ یعنی ستراتیژی امریکا در افغانستان ناکام بوده است؛

و اما در این بیان یک احتمال دیگر هم پوشیده است؛ محتمل است که پریزیدنت ترامپ حقیقتاً به عمران خان نوشته باشد که «افغانستان مال شما»!

قریشی غرق در همین سرمستی به کشورهای منطقه سفر کرد تا از این کشور ها هم «تصدیق» بگیرد که امریکا برای پاکستان پیشقدمی در افغانستان را «امضا» داده است. صرفظنر از دیگر کشورها، قریشی حتی در چین هم به تفاهم بر خورد نکرد؛ چین با وضاحت در مقابل یک خروج شتابزده امریکا از افغانستان هشدار داد؛

و ایران اعلان کرد که دوبار با رهبری طالبان مذاکرات دشته است؛ با این اعلان، ایران نه تنها در مقابل پاکستان، بل همچنان در مقابل فارمت ابوظبی وارد میدان شد.

در افغانستان چی می کنند؟

در افغانستان کمیسیون صلح نشسته که «معاهده صلح» بنویسد!!

ناظر افغان جاوید کوهستانی حق بجانب بود که نوشت « این ها ۱۷ سال می شود که برای صلح کاغذ خانه پوری کرده می روند؛ و حالی کل کاغذ ها ره پاره کرده اند و از نو خانه پوری می کنند»

معلوم نیست که این کمیسیون زیر مفهوم صلح چی می داند؟ جانب افغانستان نمی تواند بری صلح کدام معاهده تحریر کند؛ برای صلح ما باید یک «کانسپیت» فراهم بیاوریم. مفهوم کلیدی این کانسپیت باید اجماع افغانی و اجماع منطقوی و اجماع جهانی باشد؛

ما می دانیم که سرنوشت جنگ در دستان ما نبود و نیست؛ در این باره سوال نداریم.

سوال این است که ما چگونه می توانیم سرنوشت صلح در افغانستان را بدست خود بگیریم؟

در این راه نه کدام معاهده کمک می کند، و نه حتی تنها کدام کانسپیت کمک می کند؛ برای صلح در افغانستان باید یک عقبگاه مستحکم و غلبه ناپذیر مردمی ساخته شود. ما باید بنام وطن و هموطن افغان ندای صلح را بالا کنیم!

ما باید یک نهضت سرتاسری ملی برای ختم جنگ و خلع سلاح گروه های جنگی و استقرار صلح در وطن بوجود بیاوریم.

اگر با جنگ، استقلال ما را قفل کرده اند، پس ما خود ما با صلح، کلید استقلال خود را بدست خود بگیریم!

نهضت صلح در افغانستان باید بلا تأخیر بوجود بیاید!

نهضت صلح در افغانستان باید بلا تأخیر رهبران خود را بیابد!

نهضت صلح در افغانستان باید از قربانی نهراسد!

افغانان از پیر و جوان ، و از زن و مرد به وطن خود برگردند، و کفن بپوشند و صف به صف در برابر این قاتلین مردم جلو بروند!

بجای این که هرروز ما را مانند موش می کشند، ما با دستان خالی، اما با خروش افغانی باید وارد میدان شویم!

بگذار یک میلیون دیگر ما را بکشند؛ اما در آخر ما تفنگ شان را از بارک شان بگیریم!

و خرما را به دهان مبارک شان بگیریم!

ملا برود ملا بشود!

و اگر کسی پشت این ملا نماز کرد، از گوشش بگیریم و برایش بگوییم که این ملا دین ما را بی نماز کرد!

پایان این بخش



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ (قسمت سوم)

Rogh_h_ba_watan_tshikoona_bengarem_۳.pdf